

مهوریت قرآن و راههای زدودن آن (قسمت اول)

محمد اسماعیل زاده

چکیده

مهوریت قرآن به معنای راه نیافتن تعالیم انسان‌ساز قرآن در زندگی مسلمانان است که رسول اکرم (ص) در سوره مبارکه فرقان شکایت خود را از امتش به خاطر به مهوریت کشاندن قرآن به درگاه الهی عرضه می‌دارد. نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، تدبیر و اندیشه نکردن در قرآن و از همه مهمتر عمل نکردن به قرآن از مصادیق مهوریت قرآن است. از عوامل مهوریت قرآن می‌توان به کنار گذاشتن اهل بیت (ع) از صحنه اجتماع، پیروی مردم از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، عدم توجه مردم به نقش سازنده قرآن در زندگی و گسترش خرافات در جامعه اشاره کرد. به مهوریت کشیده شدن قرآن در جامعه پیامدهای ناگواری را به همراه دارد، که متروک شدن شریعت، گسسته شدن رشته اتحاد و برادری در جامعه، جدا شدن مردم از فرهنگ قرآن، رانده شدن حاملان و عاملان قرآن از صحنه اجتماع، عدم راهیابی دستورات قرآن به زندگی روزانه مردم از پیامدهای مهم آن است. اعتقاد و باور جامعه به الگو بودن قرآن در تمام ابعاد، تصحیح فرهنگ استفاده از قرآن در بین افراد، توجه به معانی و مفاهیم قرآن، عمل کردن دست اندرکاران قرآن به دستورات قرآن، دعوت افراد جامعه به تدبیر و اندیشه در قرآن، نگاه ویژه آموزش و پرورش به درس قرآن، توجه خاص مراکز علمی - فرهنگی به مباحث قرآنی و محور قرار دادن قرآن در سخنرانی‌ها، از جمله اموری است که می‌تواند به رفع مهوریت از قرآن کمک شایانی بکند.

مقدمه

خداوند متعال انسان را آفرید و او را به قوای بسیاری مجهز کرد "وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ"؛ ۱ و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشمها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید." و هدف این بود که انسان راه خود را به سوی سعادت دریابد. برای اینکه انسان در مسیر تکامل دچار انحراف نشود او را از درون به نیروی عقل و تفکر مجهز کرد و از بیرون با فرستادن پیامبران الهی زمینه را برای رشد و کمال او فراهم ساخت. پیامبران پی در پی آمدند "ثُمَّ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا؛ ۲ باز فرستادگان خود را پی‌پی روانه کردیم." تا اینکه نوبت به پیامبر آخرالزمان رسید. جامعه‌ای که نبی مکرم اسلام (ص) در آن مبعوث به رسالت شد، جامعه‌ای بود که از نظر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بسیار فقیر بود و وضعیت اقتصادی مساعدی هم نداشت. تنها از حیث ادبیات و بلاغت سخن بود که عرب‌ها در آن روزگار تا حدودی توانا بودند. با آمدن قرآن، ادبای آن زمان، به برتری کلام قرآن بر تمام ادبیات آن دوره اعتراف کردند، اگرچه بسیاری از ایشان مفاهیم قرآن را نپذیرفتند.

اما آنچه آورنده کتاب به دنبال آن بود فقط بلاغت و شیوایی قرآن نبود، بلکه قرآن کتابی بود که باید در زندگی این مردم پیاده می‌شد و آنها را از این وضعیت نجات می‌داد و به تعبیر قرآن "وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنٍ قُلُوْبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...؛ ۳ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید."

پیامبر اکرم (ص) تعالیم انسان‌ساز قرآن را در طول بیست و سه سال و به تدریج بر مردم خواند "وَقُرْاٰنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرٰهُ عَلٰى النَّاسِ عَلٰى مَكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيْلًا؛ ۴ و قرآنی با عظمت را بخش بخش بر تو نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم." و ضمن عمل به دستورات آن توانست یک جامعه ایده آل اسلامی را بنیانگذاری کند. طولی نکشید که مسلمانان در اثر عمل به دستورهای آن توانستند قدرتهای بزرگ روزگار را تحت سلطه خود در آورند و خودشان را به عنوان قدرت آن روزگار مطرح کنند.

پیامبر گرامی اسلام(ص) تا زمانی که در قید حیات بود به دو کار خیلی سفارش کرد. اولین سفارش پیامبر(ص) نسبت به حفظ قرآن و عمل به دستورات آن بود و در بیانی نورانی فرمود: "فاذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فلیکم بالقرآن، فانه شافع مشفع و ماحل مصدق، ...؛ ۵ پس هنگامی که فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تار و ظلمانی بر شما هجوم می‌آورند به قرآن پناه آورید، زیرا آن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته و شکایت کننده‌ای است که شکایتش پذیرفتنی است. هر کس آن را پیش روی خود قرار دهد او را به سوی بهشت رهنمون شود و هر کس آن را پشت سر اندازد و به آن اعتنایی نکند او را به سوی جهنم خواهد راند. و آن قرآن دلیل و راهنمایی است بر بهترین راه، کتاب تفصیل و بیان و تحصیل سعادت است، کتاب فصل(جدا کننده حق از باطل) است و نه کتاب شوخی، ظاهری دارد و باطنی، ظاهرش همه حکمت است و باطنش همه علم، ظاهرش لطیف است و باطنش ژرف و عمیق، قرآن را دلالتها و علاماتی است و آن دلالتها را نیز دلالتهای دیگر. عجایبش بیرون از شمارش و غرایبش کهنگی ناپذیر است در آن چراغهای هدایت و مناره‌های پر فروغ حکمت است."

دومین سفارش پیامبر(ص) پیروی مردم از اهل بیت خودش به عنوان مفسران واقعی قرآن بود که در حدیث معروف ثقلین فرمود: "انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ما ان تمسکتما بهما لن تضلوا" ۶

حال این سؤال به ذهن می‌رسد که چه عواملی باعث شد با آن همه سفارشات پیامبر(ص) نسبت به حفظ قرآن و پیروی از اهل بیت به عنوان مفسران واقعی قرآن، جامعه اسلامی از مسیر صحیح و به تعبیری صراط مستقیم منحرف شد؟ آیا جز این بود که مسلمانان به دستورات قرآن عمل نکردند؟ و آیا متروک گذاشتن و رها کردن قرآن عامل اصلی برای انحراف از صراط مستقیم نبود؟ اکنون مطالب را در دو بخش ارائه خواهیم کرد: بخش اول مہجوریت قرآن و بخش دوم راه‌های زدودن مہجوریت از قرآن.

بخش اول: مہجوریت قرآن کریم:

در این بخش ضمن بیان معانی لغوی مہجوریت از دیدگاه واژه شناسان، شکایت و گلائیة پیامبر(ص) در پیشگاه الهی، به خاطر به مہجوریت کشاندن قرآن بررسی می‌شود سپس مصادیق و علل به وجود آورنده آن در جامعه بیان می‌گردد و در ادامه، دیدگاه مولای متقیان حضرت علی(ع) در باره پیامدهای مہجوریت قرآن و شخصیتی که مہجوریت را از قرآن خواهد زدود ذکر می‌شود.

الف) شکایت پیامبر(ص) از مہجوریت قرآن:

در سوره مبارکه فرقان خداوند متعال از قول پیامبرش آیه‌ای را مطرح می‌کند که دلها را می‌لرزاند و به مردم مسلمان، در هر عصر و زمانی هشدار می‌دهد که ای مردم مبدا قرآن را متروک بگذارید و به دستورات آن عمل نکنید. خداوند متعال در این آیه از قول رسولش چنین می‌فرماید: "وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا" ۷ و پیامبر خدا گفت پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند."

کلمه مہجور از ماده "هجر" است که بیشتر لغت شناسان آن را به معنای ترک کردن و رها کردن دانسته‌اند، اگر چه معانی دیگری هم برای آن ذکر کرده اند، ولی در خصوص این آیه بیشتر به این معنا توجه داشته اند.

صاحب کتاب العین می‌گوید: "الهجر و الهجران ترک ما یلزمک تعهده؛ ۸ هجر و هجران ترک کردن چیزی است که تعهد نسبت به آن، تو را ملزم و پایبند می‌کند" و سپس به این آیه استناد می‌کند. صاحب مجمع البحرین می‌گوید: "ای متروکا لا یسمع و یقال مہجورا جعلوه بمنزلہ هجرای الہذیان و یقال مہجورای قالوا فیہ غیر الحق؛ ۹ یعنی ترک شده که شنیده نمی‌شود و مہجور گفته می‌شود وقتی که آن(قرآن) را به منزله هجر یعنی هذیان قرار دهند و مہجور گفته می‌شود یعنی در آن غیر حق می‌گویند." راغب می‌گوید: "الهجر و الهجران مفارقه الانسان غیره اما بالبدن او باللسان او بالقلب؛ جدایی انسان از چیزی یا با بدن یا با زبان یا

با قلب است" و ذیل این آیه می‌گوید: "این ترک کردن و رها کردن با قلب است یا با قلب و با زبان" ۱۰ بنابر آنچه گفته شد معنای مهجور ترک کردن و کنار گذاشتن و رها کردن است.

دربارهٔ اینکه نبی مکرم اسلام(ص) این سخن را در دنیا یا آخرت می‌گوید، برخی از مفسران معتقدند که پیامبر(ص) این سخن را در همین دنیا گفته است. ۱۱ و برخی دیگر معتقدند که آن را در قیامت به عنوان گلایه از امتش در پیشگاه ربوبی عرضه می‌دارد. ۱۲ و برخی دیگر از مفسران هر دو احتمال را ذکر می‌کنند. ۱۳

از این آیه کریمه دو نکتهٔ زیبا را می‌توان برداشت کرد. ۱. اینکه پیامبر(ص) به یقین می‌دانست که بسیاری از افراد امت و بسیاری از جوامع اسلامی قرآن را متروک خواهند گذاشت. اگر در گذشته و حال به وضعیت جوامع اسلامی نگریسته شود، این گلایه و دردمندی پیامبر به خوبی آشکار می‌گردد، چرا که قرآن در این کشورها فقط با صدای نیکو تلاوت می‌شود، به طرز بسیار زیبایی در کاشی کاری‌های مساجد به کار می‌رود، مدارسی برای حفظ آن دایر می‌شود و... در حالی که پایه‌های سیاسی - فرهنگی این جوامع بر مبنای غربی استوار است و عملاً قرآن در زندگی آنها جایی ندارد. ۲. خداوند از قول پیامبر(ص) می‌فرماید: "اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا" ۱۴ یعنی با وجود در دسترس بودن، از عمل به آن غافل شدند. به عبارت دیگر در عین حالی که قرآن نزدشان بود و آن را می‌خواندند ولی از عمل به دستورات آن خبری نبود و عملاً قرآن در زندگی آنها جایی نداشت.

قرآن کریم برای کسانی که قرآن را به مهجوریت می‌کشاند و به عبارتی آن را می‌خوانند و به آن عمل نمی‌کنند مثلی شگفت می‌زند و می‌فرماید: "مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِنَسَمَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ"؛ ۱۵ مثل کسانی که عمل به تورات بر آنان بار شد و به آن مکلف گردیدند آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل چهارپایی است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد. چه زشت است وصف قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید."

بنابر این اگر جوامع اسلامی بخواهند مشمول شکایت پیامبر(ص) به پیشگاه الهی واقع نشوند باید قرآن را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کنند.

ب) مصادیق مهجوریت قرآن

همان طور که در بخش قبل بیان شد، گلایه و شکایت پیامبر اسلام(ص) از امتش به معنای ترک فرامین و دستورات قرآن در زندگی فردی و اجتماعی است. در عین حال می‌توان مواردی را به عنوان مصادیق مهجوریت قرآن در جامعه برشمرد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱. نخواندن قرآن

پیامبر گرامی اسلام و پیشوایان دین(ع) در روایات بسیاری مردم را به خواندن قرآن تشویق کرده‌اند و از مسلمانان خواسته‌اند که روزانه حداقل پنجاه آیه تلاوت کنند. ۱۶ وجود مقدس امام هشتم(ع) دلیل خواندن قرآن را در نماز خارج شدن قرآن از مهجوریت می‌داند و می‌فرماید: "دلیل آن که در نماز، قرآن می‌خوانیم آن است که قرآن از مهجوریت خارج شود." ۱۷

۲. ترجیح غیر قرآن بر قرآن

با اینکه قرآن کریم برای تمام ابعاد زندگی برنامه دارد، ولی با کمال تأسف باید اذعان داشت که مسلمانان در گذشته و حال قرآن را رها کرده و به کتابهای دیگر روی آورده‌اند. جوامع اسلامی امروزه در بسیاری از زمینه‌ها از کشورهای غربی الگو برداری می‌کنند، در حالی که نسخه‌های کشورهای غربی به این دلیل که به وسیلهٔ انسان تدوین شده خالی از اشکال نیست، ولی آنچه قرآن ارائه

می‌دهد به دلیل اینکه از جانب خداوند خالق و حکیم است در بردارنده سعادت و خوشبختی جوامع است. به عنوان نمونه در علوم تجربی مانند پزشکی و در علوم انسانی مانند روانشناسی و فلسفه و... بیشتر به کتب دانشمندان غرب بها داده می‌شود و این در حالی است که توجه به آیات قرآن می‌تواند مسلمانان را در تمام علوم و دانش‌ها پیشتاز جوامع قرار دهد. نقل شده که هارون را طیبی مسیحی بود، روزی این طیب به علی بن حسین بن واقد گفت: "در کتاب شما (قرآن) از علم طب چیزی نیست، در حالی که علم دوتاست، علم پزشکی و علم ادیان، وی در جواب گفت: خداوند تمام علم پزشکی را در نصف آیه جمع کرده است "كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا" ۱۸ و پیامبر ما تمام علم پزشکی را در این جمله خلاصه کرده است: "المعدة بيت كل داء و الحميه راس كل دواء؛ معده خانه هر دردی است و پرهیز [کم خوری] اساس هر دارو و درمانی است"، طیب گفت قرآن و پیامبر شما از علم پزشکی چیزی برای جالینوس باقی نگذاشته اند. ۱۹ ذکر این نکته برای این بود که می‌توان از هر آیه قرآن و حتی بخشی از یک آیه یک یا چند راهکار را برای زندگی استخراج کرد.

۳. تدبر و اندیشه نکردن در قرآن

در آیات بسیاری از قرآن از مسلمانان خواسته شده است که در آیاتش تفکر و اندیشه کنند. خداوند حکیم در باره قرآن می‌فرماید: "كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ ۲۰ این کتابی مبارک است که آن را به سوی تونازل کرده‌ایم تا درباره آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند." و در آیه دیگر کسانی را که در آیات قرآن اندیشه نمی‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد و می‌فرماید: "أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛ ۲۱ آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ یا مگر بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟" این آیات و آیات دیگری که در موضوع تفکر و اندیشه در قرآن آمده است، از مسلمانان می‌خواهد که فقط به خواندن آیات توجه نکنند، بلکه بعد از مرحله خواندن، در آیاتش تفکر و اندیشه کنند و به این وسیله راه خود را به سوی سعادت و خوشبختی بیابند.

۴. عمل نکردن به قرآن

مراجعه به آیات قرآن و روایات نشان دهنده این امر است که از ما خواسته شده قرآن را یاد بگیریم، به دیگران آموزش دهیم و در آیاتش اندیشه کنیم. نبی مکرم اسلام (ص) در حدیث گرانمایی که به روایت انس بن مالک نقل شده است فرمودند: "هر کس قرآن را بیاموزد و بداند و مصحف را درجایی بیاویزد و آن را تعهد نکند و در آن ننگرد، قرآن روز قیامت می‌آید و در وی بیاویزد و گوید: "خدایا این بنده، مرا مهجور کرده میان من و او حکم فرما." ۲۲ رسول خدا (ص) همچنین در بیان نورانی دیگری می‌فرماید: "روز قیامت من نخستین وارد شونده بر خداوند عزیز و جبار هستم و کتابش و اهل بیتم و سپس امتم، آن گاه از ایشان (امتم) می‌پرسم که با کتاب خدا و اهل بیت من چه کردند." ۲۳

بیان این نکته لازم است که خواندن و یادگیری قرآن مقدمه‌ای است برای فهم معانی و مفاهیم آیات کریمه و همه این امور برای این است که قرآن را در زندگی خود پیاده کنیم. اگرچه خواندن و فهمیدن قرآن می‌تواند در زندگی تاثیرگذار باشد، ولی هدف نهایی این است که جامعه اسلامی با عمل به دستورات آن سعادت و خوشبختی دو جهان را برای خود فراهم آورد.

علل مهجوریت قرآن

بحث درباره عللی که باعث مهجوریت قرآن در بین مسلمانان شد، می‌تواند به رفع این مهجوریت کمک شایانی بکند، چرا که شناخت عوامل به وجود آورنده یک آسیب و معضل راهنمای خوبی است که می‌تواند راهکار درست حل آن معضل را نشان دهد. به طور کلی ممکن است عوامل بسیاری در مهجوریت قرآن دخیل باشد که در اینجا به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۱. کنار گذاشتن اهل بیت (ع) به عنوان مفسران حقیقی قرآن

همان طو رکه در مقدمه اشاره شد، پیامبر گرامی اسلام (ص) همان سفارشی را که نسبت به حفظ قرآن و تمسک به آن - به معنای پیروی عملی از دستورات آن - داشت، نسبت به اهل بیت خودش هم داشت و در موارد بسیاری اهمیت این امر را به مردم گوشزد کرد، چرا که اهل بیت جزء جدایی ناپذیر قرآن و دانای به تمام اسرار قرآن بودند و این در دیگران یافت نمی شد. ولی متأسفانه جامعه اسلامی - علیرغم سفارش های اکید پیامبر (ص) - این حاملان و عاملان واقعی قرآن را از صحنه اجتماع کنار زد و جامعه از فیض وجودی این ذوات مقدسه محروم ماند. در صورتی که قرآن اطاعت از این معصومان را به عنوان اولوالامر، هم ردیف اطاعت پیامبر و اطاعت پیامبر را در ردیف اطاعت خدا می داند و می فرماید: **"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ۲۴** ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید."

بنابراین می توان گفت اولین عاملی که باعث مهجوریت قرآن در جامعه اسلامی شد، کنار گذاشتن و رها کردن اهل بیت بود، مسئله ای که حضرت علی (ع) فراوان از آن یاد می کند. ۲۵ حتی صدیقه کبری، حضرت فاطمه زهرا (س) در بستر بیماری آنگاه که تعدادی از زنان مهاجر و انصار نزد او می آیند در بخشی از کلامش می فرماید: "وای بر آنان چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار گیرد؟ و خلافت بر پایه های نبوت استوار بماند؟... به خدا سوگند اگر پای در میان می نهادند و علی (ع) را برکاری که پیغمبر (ص) بر عهده او نهاد می گزاردند، آسان آسان ایشان را به راه راست می برد. و حق هر یک را به او می سپرد... اگر چنین می کردند درهای رحمت از زمین و آسمان به روی آنان می گشود. اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود." ۲۶

۲. پیروی از هواهای نفسانی

دومین عاملی که باعث مهجوریت قرآن در جوامع اسلامی گذشته و حال شده، پیروی اکثریت مردم از هواهای نفسانی است. بسیاری از مردم هنگامی که منافع دنیوی و مادی خود را با تعالیم و دستورات قرآن در تعارض می بینند، جانب منافع خود را می گیرند و حق و حقیقت را فدای مصالح شخصی خویش می کنند.

قرآن کسانی را که به دنبال هواهای نفسانی هستند به شدت نکوهش می کند و می فرماید: **"أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عَشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؛ ۲۷** آیا دیدی کسی را که هوس خود را معبود خویش قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و برگوش و دلش مهر و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟" همان طور که این آیه بیان می کند پیروی از هوا و هوس چشم و گوش و دل انسان را کور می کند و چنین انسانی هرگز نمی تواند به محضر قرآن شرفیاب شود و از انوار ملکوتی آن مستفیض گردد.

بنابر این پیروی از هوا و هوس دومین عاملی است که می تواند قرآن را در زندگی فردی و اجتماعی به مهجوریت بکشاند.

۳. شیطان

شیطان بعد از سجده نکردن بر حضرت آدم (ع) از درگاه رحمت الهی رانده شد و از همان روز به عزت خداوند سوگند یاد کرد که فرزندان آدم را گمراه خواهد کرد، قرآن مجید سخن شیطان را اینگونه بیان می کند: **"قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۲۸؛** شیطان گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می برم، مگر آن بندگان پاکدل تورا" خداوند هم در پاسخ او فرمود: **"قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقْوَلُ * لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ؛ ۲۹** فرمود حق از من است و حق را می گویم هر آینه جهنم را از تو و هر کس که تو را پیروی کند، از همگی شان خواهم انباشت."

در موارد دیگری نیز خداوند انسان را شدیداً از دوستی با شیطان و شیطان صفتان بر حذر می‌دارد. این تأکید شدید قرآن برای پیروی نکردن از فرامین و وسوسه‌های شیطانی به خاطر این است که شیطان اعمال زشت را برای انسان نیکو جلوه می‌دهد به گونه‌ای که انسان زیبایی‌های قرآن را درک نمی‌کند در حالی که انجام معاصی و گناهان برایش جاذبه و زیبایی دارد. نتیجه این می‌شود که انسان به سوی قرآن نمی‌رود و این نسخه شفا بخش هستی را متروک می‌گذارد و زمینه‌های بدبختی و شقاوت خود را فراهم می‌کند. بنابراین شیطان هم سومین عامل موثر در مهجوریت قرآن است.

۴. عدم توجه به نقش سازنده قرآن در زندگی فردی و اجتماعی

شاید بتوان گفت قرآن در زندگی بسیاری از مردم مسلمان جایگاه والایی ندارد و بیشتر آن را در مجالس ترحیم، قبرستانها، سفره عقد، بدرقه مسافر و... استفاده می‌کنند. از نظر این مردم جایگاه قرآن فقط در همین امور خلاصه می‌شود. عده‌ای دیگر آن را به قصد ثواب می‌خوانند و تنها عده اندکی هستند که به نقش سازنده قرآن در زندگی فردی و اجتماعی باور دارند. این نوع اعتقاد و نگرش اکثریت مردم باعث شده است که قرآن مهجور بماند، و وارد زندگی عملی آنان نشود.

امام خمینی (ره) در باره مهجور ماندن قرآن و نقش سازنده آن در زندگی فردی و اجتماعی می‌فرماید: "آیا اگر ما این صحیفه الهی را مثلاً جلدی پاکیزه و قیمتی نمودیم و در وقت قرائت یا استخاره بوسیدیم و به دیده نهادیم، آن را مهجور نکرده‌ایم؟ آیا اگر غالب عمر خود را در تجوید و جهات لغویه و بیانیه و بدیعیه آن صرف کردیم، این کتاب شریف را از مهجوریت بیرون آورده‌ایم؟ آیا اگر قرائات مختلف و امثال آن را فراگرفتیم، از ننگ مهجوریت قرآن خلاصی پیدا کرده‌ایم؟ آیا اگر وجود اعجاز قرآن و فنون محسنات آن را تعلیم کردیم از شکایت رسول خدا(ص) مستخلص شده‌ایم؟ هیئات! که هیچ یک از این امور مورد نظر قرآن و منزل عظیم الشأن آن نیست. قرآن کتاب الهی است و در آن شئون الهیه است. قرآن حبل متصل مابین خالق و مخلوق است و به وسیله تعلیمات آن باید رابطه معنویه و ارتباط غیبی، بین بندگان خدا و مربی آن پیدا شود، از قرآن باید علوم الهیه و معارف لدنیه حاصل شود." ۳۰

۵. گسترش خرافات در جامعه

گسترش خرافات در جامعه نیز از اموری است که به مهجوریت قرآن می‌انجامد. اعتقاد داشتن مردم جامعه به اموری مانند، فال، سحر و جادو، خوابها و... می‌تواند جامعه را از حقایق موجود در عالم هستی که جلوه‌های آن در قرآن بروز و ظهور دارد، دور کند و به مهجوریت قرآن منتهی شود.

مهجوریت قرآن از دیدگاه نهج البلاغه

امام علی (ع) که پس از پیامبر گرامی اسلام(ص)، بزرگترین شخصیت جامعه اسلامی است به مردم زمانش هشدار می‌دهد که ای مردم زمانی خواهد آمد که قرآن در مهجوریت قرار گیرد و فقط اسم و رسم آن در جامعه خواهد بود، بدون این که از عمل به احکام آن خبری باشد. آنچه را که مولای متقیان(ع) بیان می‌کند می‌توان از آن به پیامدهای مهجوریت و متروک گذاشتن قرآن تعبیر کرد.

ایشان در بخشی از خطبه ۱۴۷ می‌فرماید: "همانا پس از من روزگاری بر شما فرا خواهد رسید که چیزی پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش نباشد. و نزد مردم آن زمان کالایی زیانمندتر از قرآن نیست، اگر آن را درست بخوانند و تفسیر کنند و متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود، آنگاه که آن را تحریف کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند... حاملان قرآن آن را وا گذاشته و حافظان قرآن آن را فراموش می‌کنند، پس در آن روز قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و مهجور

می‌گردند و هر دو غریبانه در یک راه ناشناخته سرگردانند و پناهگاهی میان مردم ندارند، پس قرآن و پیروانش در میان مردمند اما گویا حضور ندارند؛ با مردمند ولی از آنها بریده‌اند... مردم در آن روز در جدایی و تفرقه هم داستان و در اتحاد و یگانگی پراکنده‌اند، گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست، پس از قرآن جز نامی نزدشان باقی نماند و آنان جز خطی را از قرآن نشناسند. "۳۱"

با توجه به بیان نورانی مولایمان حضرت علی (ع) می‌توان پیامدهای مهجوریت را به این شکل دسته بندی کرد. الف) پنهان شدن حق و آشکار شدن باطل. ب) دروغ بستن به خدا و پیامبر(ص). ج) استفاده ابزاری از قرآن برای اثبات دعاوی خویش. د) متروک شدن شریعت و رواج منکرات. ه) رانده شدن حاملان و حافظان قرآن از صحنه اجتماع. و) جدا شدن مردم از فرهنگ قرآن. ز) جایگزین شدن تفرقه و جدایی به جای اتحاد و یگانگی در جامعه. ح) باقی ماندن خط و تذهیب قرآن و عدم راهیابی قرآن به زندگی روزانه مردم.

همان طور که ملاحظه شد، حضرت علی (ع) به وضوح این را پیش بینی می‌کند که مردم در آینده چه بر سر قرآن خواهند آورد و آنچه مولا(ع) فرمود، نه تنها در سده‌های نخست اتفاق افتاده بلکه هم اکنون نیز می‌توان آن را در جوامع اسلامی به وضوح مشاهده کرد و آنچه که امروز در جوامع اسلامی اتفاق می‌افتد بی نیاز از شرح و تبیین است.

مولای متقیان علی(ع) در خطبه‌ای که خبر از ظهور فرزندش مهدی(عج) می‌دهد او را به عنوان شخصیتی معرفی می‌کند که مهجوریت را از قرآن و سنت خواهد زدود و می‌فرماید: "... او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می‌کند. "۳۲"

پی‌نوشت‌ها:

۱. نحل / ۷۸؛ در ترجمه آیات کریمه قرآن، از ترجمه استاد فولادوند استفاده شده است.
۲. مومنون / ۴۲-۴۴.
۳. آل عمران / ۱۰۳.
۴. اسراء / ۱۰۶.
۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸.
۶. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۴.
۷. الفرقان / ۳۰.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۳، ص ۳۸۷.
۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۱۶.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، ص ۸۳۳.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷۶.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۵.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۳.
۱۴. فرقان / ۳۰.
۱۵. جمعه / ۵.
۱۶. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹.
۱۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۴۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۵۴، باب ۲۳.
۱۸. اعراف / ۳۱.
۱۹. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۳۸.
۲۰. ص / ۲۹.

۲۱. محمد / ۲۴.

۲۲. زمخشری، محمود، الکشاف، ج ۳، ص ۲۷۷ و فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۴۵۵.

۲۳. عروسی حویزی، علی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۳.

۲۴. نساء / ۵۹.

۲۵. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، بخش پنجم، صفحات ۱۴۱ تا ۱۸۴.

۲۶. شهیدی، سید جعفر، زندگی فاطمه زهرا(س)، ص ۱۵۱.

۲۷. جائیه / ۲۳---۲۸. ص / ۸۲-۸۳----- ۲۹. ص، ۸۴-۸۵---۳۰. خمینی، روح الله، پرواز در ملکوت، ص ۱۱۳، به نقل از سایت اندیشه قم.

۳۱. نهج البلاغه، خ ۱۴۷، ترجمه محمد دشتی، ص ۲۷۱---۳۲. همان، خ ۱۳۸، ترجمه محمد دشتی، ص ۲۵۷.